



مذمت حقوق

دوره ۵ - شماره ۱۰ - بهار ۱۴۰۱

شماره چاپی: ۱۸۴۱ - ۳۷۸۳
شماره الکترونیکی: ۱۹۲۲ - ۳۷۸۳

- مسئولیت مدنی کارشناس رسمی دادگستری در حقوق ایران و فرانسه با تاکید بر رویه قضایی حسن بادیانی، سپیده راضی، محمد مهدی پور
- همدلی‌های سعدی شیرازی با آموزه‌های حقوق عمومی مدرن مجید نجارزاده هنجنی
- حمایت کیفری از حق بر محیط‌زیست شیما نادری، مجید مطلبی
- تبیین نقش جامعه مدنی در تحقق حقوق شهروندی فرزانه دشتی، عبدالکریم شاحیدر
- آثار افزایش سرمایه شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و آمریکا افشین مجاهد
- چالش‌های قضایی مقابله با جرایم زیست محیطی در حقوق کیفری ایران اسماعیل کشکولیان، عباس شیخ الاسلامی
- رویکرد حقوق هوایی بین‌المللی نسبت به مسئولیت ناشی از نشر ویروس کرونا در حمل و نقل هوایی یگانه سادات صفوی
- آثار قراردادهای دولتی در حقوق ایران و انگلستان محمدرضا پورپور
- میانجیگری، نظام عدالت مشارکتی، نسل سوم نظام عدالت کیفری و حقوق اطراف دعوا صادق فتیلی، سید محمد صالحی
- ارزش و اعتبار نظریه کارشناسی در حقوق ایران و فرانسه سید جعفر هاشمی باجگانی، میثم سبحانی
- رویکرد سیاستگذاری‌های زیست محیطی در کاهش مخاطرات؛ راهبردها و رهیافت‌ها زهرا طلیعه علیا، داوود خرم دل
- قواعد فقهی کارا در مسئولیت اتلاف عمر اشخاص حمید سلیمانی، رحیمه عباسی بناری
- نقش نهادهای سازمان ملل متحد در پیشگیری از آلودگی‌های محیط زیستی ناشی از پسماندها به منزله امنیت زیست جهانی رستم علی اکبری، سید مهدی موسوی
- مبانی تصحیح قراردادهای غیرمعمود با تمسک به اطلاقات و عمومات شرعی سید علیرضا امین
- فناوری‌های نوین باروری-زیستی و حقوق کودک؛ درآمدی بر آینده کودکی در ایران مریم شعبان
- آسیب شناسی کیفرگذاری موجود در جرایم خانوادگی موضوع کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵؛ از تبیین آسیب‌ها تا ارائه راهکارها مهدی مقفری اناری، محمد امینی زاده، علی عارفی مسکونی
- مجرای اصل صحت در معاملات با تاکید بر امکان جریان آن در شبهات حکمیة مانده چینی ساز، امید محمدی، قاسم شعبانی
- پیرامون نظریه بطلان تحقیقات مقدماتی در فرآیند دادرسی کیفری ایران (با توجه به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴) مسعود فدائی دهچشمه، امیر سلیمانی، حمیرا طاهری
- تأملی بر قانون حاکم بر تعهدات قراردادی عقد بیمه در ایران و ایالات متحده آمریکا فرزاد گرمی کلمتی، حامد بابانی
- بررسی تأسیس بیلمنت در نظام حقوقی انگلستان، ایالات متحده آمریکا و تطبیق آن با نهاد امانت در حقوق ایران نسترن ارزانیان، مهساسادات نبوی
- معیار تفکیک جرم آدم‌ربایی از جرایم مشابه در نظام کیفری ایران احمدرضا امتحانی، جواد نادری عوج بغزی، علی پاپدارفرد
- درآمدی بر اصول و موانع استرداد مجرمین در حقوق بین الملل رضا علی پناه
- آثار کرونا بر عدالت کیفری اطفال و نوجوانان با نگاهی به حقوق ایالات متحده آمریکا پیمان دولتخواه پاشاکی
- جلوه‌های تغییر در سیاست کیفری افتراقی جرائم نیروهای مسلح ایران و ایالات متحده آمریکا با روش کیفرزدانی و جرم زدایی یاسر شاکری، علیرضا صالحی، غلامحسین رضایی



Effects of Government Contracts on Iranian and British Law

آثار قراردادهای دولتی در حقوق ایران و انگلستان

Mohammad Reza Burbur

PhD Student in Private Law, Islamic Azad University, Meybod Branch, Lecturer at Ivan Kay Non-Profit University, Meybod, Iran

محمدرضا بوروبور

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، مدرس دانشگاه غیرانتفاعی ایوان کی، میبد، ایران

mohamadrezaboorbor@yahoo.com
<https://orcid.org/0000-0002-1881-258x>

Abstract

The growing needs of societies necessitate the need for government intervention in business and economic affairs, and it is possible to improve the quality and performance of the legal system governing government contracts in the light of some theoretical principles and practical experiences. With the increase of population and the increasing expansion of government duties in the public interest, governments are forced to conclude various contracts of public and private type. Government contracts, in spite of preserving their classical and customary foundations, are an agreement between the parties to the contract and subject to the principles of all contracts. It is a private contract. In English law, when a contract is executed and a dispute arises between the parties to a contract, the matter is brought before a public court. The government, like the parties to the contract, is inevitably subject to the legal economic analysis governing the contract in the private sector. In Iran, concluding such contracts, due to the economic and social structure and absolute supremacy of the government, have special features and privileges that private law entities do not enjoy. In the United Kingdom, this type of contract, in which the government is a party, has a special feature and this is not necessarily for the provision of public services, because in this country the concept of public services is not known, but the public interest. Therefore, in this article, the effects of government contracts on the law of Iran and the United Kingdom are comparatively examined.

Keywords: Government Contract, Administrative Functions, Public Order, Rule of Will, Public Services

چکیده

نیازهای روزافزون جوامع، ضرورت دخالت دولت در امور تجاری و اقتصادی را ایجاب و بهبود کیفیت و عملکرد نظام حقوقی حاکم بر قرارداد دولتی در پرتو توجه به برخی از اصول نظری و تجربیات عملی ممکن است. با افزایش جمعیت و گسترش روزافزون وظایف دولت در جهت تأمین منافع عمومی، دولت‌ها ناگزیر از انعقاد قراردادهای مختلف از نوع حاکمیتی و خصوصی می‌باشند. قراردادهای منعقد دولتی به‌رغم حفظ بنیان‌های کلاسیک و مرسوم خود به صورت یک توافق میان طرفین قرارداد و تابع اصول تمام قراردادها دارای آثاری هستند که آن‌ها را از قراردادهای عام متمایز نموده و قواعدی بر آن‌ها حاکم است که استثناء بر اصول و قواعد عام حاکم بر قراردادهای خصوصی است. در حقوق انگلستان در هنگام اجرای قرارداد و بروز اختلاف بین طرفین قرارداد موضوع در دادگاه عمومی مطرح شده و مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. دولت مانند طرفین قرارداد، در بخش خصوصی ناگزیر از تحلیل اقتصادی حقوقی حاکم بر قرارداد است. در ایران انعقاد این نوع قراردادها با توجه به ساختار اقتصادی و اجتماعی و تفوق مطلق دولت، از ویژگی و امتیازات ویژه‌ای برخوردار هستند که اشخاص حقوقی خصوصی از آن بهره‌مند نیستند. در انگلستان نیز این نوع قراردادها که یک طرف آن دولت است از ویژگی خاصی برخوردار می‌باشند و این امر الزاماً برای ارائه خدمات عمومی نیست، بلکه برای منفعت عمومی مطرح است؛ بنابراین در این مقاله آثار قراردادهای دولتی در حقوق ایران و انگلستان مورد بررسی تطبیقی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: قرارداد دولتی، اعمال اداری، نظم عمومی، حاکمیت اراده، خدمات عمومی.

Received: 2022/01/25 - Review: 2022/05/09 - Accepted: 2022/05/28

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۰۵ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۰۷

ارجاع:

بوربور، محمدرضا؛ (۱۴۰۱)، آثار قراردادهای دولتی در حقوق ایران و انگلستان، تمدن حقوقی، شماره ۱۰.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

تحول در قلمرو علوم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، تأیید وضع حکومت‌ها از استبدادی به مردمی و افزایش وظایف اجتماعی حکومت‌ها، توسعه حقوق، مدیریت و اجتماعی شدن قراردادها موجب پیدایش شعبه‌های گوناگون در قراردادها شده و نوع خاصی از قراردادها به وجود آمده که قراردادهای اداری نام دارد (انصاری، ۱۳۸۰، ۱۰). در تمامی جوامع، دولت موظف به انجام امور و فعالیت‌هایی است که نفع عمومی ایجاب می‌کند. امور اقتصادی، دفاعی، امنیتی، بهداشتی، عمرانی، محیط زیستی، فرهنگی و غیره از جمله وظایف دولت‌ها می‌باشند. هر دولتی برای تأمین این نیازهای جامعه یا خود بایستی این موارد را فراهم آورد یا اینکه بایستی از طریق عقد قراردادهایی، اقدام به خرید این مهم نمایند. از آنجاکه دولت نمی‌تواند همواره خود تولیدکننده باشد، لاجرم بایستی برای تأمین نیازهای خود، با عقد قرارداد اقدام به خرید کالا و خدمات نماید (مشکل‌گشا و ریسی، ۱۳۹۸، ۲۷۱). این نوع قراردادها یکی از مباحث مهم حقوق مدنی بوده و از جمله مصادیق همکاری‌های اجتماعی، مبادلات و دادوستدهای اقتصادی است. به عبارت دیگر عقود و قراردادهای دولت و سازمان‌های عمومی قراردادهای مهم و کلانی هستند که از نظام ویژه‌ای تبعیت می‌کنند که به این اعتبار به آن‌ها قراردادهای دولتی و یا قرارداد اداری اطلاق می‌شود. در حقوق امروز، عقد از رابطه بین افراد خارج شده و به صورت یک ابزار اجتماعی برای نظارت یا دخالت‌های دولت در آمده و دولت برای تأمین منافع عمومی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در برخی قراردادهای دخالت و نظارت می‌کند یا طرفین قرارداد را به سوی اهداف عمومی ارشاد و هدایت می‌نماید.

قراردادهای عمومی تبلور نیازها و سیاست‌هایی است که دولت، در عقد قرارداد تعقیب می‌نماید (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۴، ۱۰۰).

دولتی‌بودن این قراردادها به این معناست که از لحاظ تشریفات عقد و از لحاظ محتوا، یعنی به منظور حفظ منافع عمومی و غبطه دولت متضمن شروط و احکام ویژه‌ای هستند که اختیارات گسترده‌ای به دولت می‌دهد و او را در موقعیت ممتازی نسبت به طرف خصوصی خود قرار می‌دهد، درحالی‌که اگر این شروط در قراردادهای خصوصی وجود داشت به جهت اینکه در آن‌ها اصل بر تساوی آزادی متعاملین است، این قراردادها غیرمتعارف و مخالف نظم عمومی و به عبارت دیگر یک قرارداد تحمیلی و یک‌طرفه تلقی می‌شد و در نتیجه این شروط موجب عدم نفوذ و یا بطلان عقد می‌گردید (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۳، ۳۳۵)؛ بنابراین دولت به‌عنوان قدرت اصلی کشور دارای یک سری اختیارات و امتیازات مشمول قانون بوده و به پشتوانه قانون توانایی اعمال فشار و ایجاد تعهدهای مختلف به نفع خود را در قراردادهای دولتی دارد. در این میان از جمله عوامل توسعه حقوق و گسترش فرهنگ حقوقی توجه به کیفیت دادرسی به لحاظ پیچیدگی نظام قراردادهای مالی، محدودیت منابع و فرصت‌ها و ضرورت تخصیص عادلانه این منابع، اهمیت و ضرورت به سزایی در حقوق ایران دارد (خلفیان و همکاران، ۱۳۹۷، ۴۷۵).

در حقوق انگلستان دولت به دنبال آن است که جریان خدمات عمومی اعم از کالاها و خدمات مورد نیاز خود و جامعه متوقف نشود و هدف از انعقاد این‌گونه قراردادها در انگلستان که مانند قراردادهای بخش‌های دیگر می‌باشد، تأمین منفعت عمومی است و همچنین اطمینان یافتن از ادامه ارائه خدمات مورد نیاز جامعه که دولت انگلستان با بخش‌های گوناگون جهت ارائه آن منعقد می‌کند، جریان دائمی آن و عدم توقف و در نهایت منفعت عمومی است که دولت بر آن نظارت تام و کامل دارد. همچنین در این کشور، دولت متولی خدمات عمومی شناخته نمی‌شود و بخش خصوصی متولی این نوع خدمات است، ولی دولت فقط بر نحوه ارائه خدمات نظارت و اصطلاحاً تنظیم یا مقررات‌گذاری می‌کند و هدفش از تنظیم آن تأمین منفعت عمومی است. در حقوق ایران، به‌رغم اهمیت قراردادهای دولتی برای تأمین رفاه، توسعه و رشد اقتصادی جامعه و تأمین مصالح عمومی، این موضوع کمتر به صورت ویژه و تخصصی مورد بحث قرار گرفته و قوانین، آیین‌نامه‌ها، مصوبات و بخشنامه‌های متعددی که در باب قراردادهای دولتی در گذر زمان تصویب و صادر گردیده نیز مدون نشده و نظام حقوقی منسجمی وجود ندارد، به‌طوری‌که اگر در مورد نوع قرارداد و شروط الزامی، تشریفات انعقاد آن، قانون حاکم بر چگونگی حل اختلاف و

مسائلی از این قبیل که برای قراردادهایی به این اهمیت حیاتی می‌باشند جست‌وجو شود، پاسخ‌های مختلفی یافت می‌شود و در رویه عملی دستگاه‌های دولتی نیز این سردرگمی و ابهام وجود دارد. بر این اساس در این مقاله آثار قراردادهای دولتی در حقوق ایران و انگلستان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- مفهوم و ماهیت قراردادهای دولتی در حقوق ایران و انگلستان

برای آشنایی با آثار قراردادهای دولتی، ضروری است که ابتدا مفهوم و ماهیت آن مورد بحث قرار گیرد. در این مبحث به بررسی مفهوم و ماهیت این قراردادها در حقوق ایران و انگلستان می‌پردازیم.

۱-۱- مفهوم قراردادهای دولتی در حقوق ایران و انگلستان

اگر قواعد حقوقی را مورد بررسی قرار دهیم به این نکته پی می‌بریم که تعریف جامعی به صورت مدون و سازمان یافته از قراردادهای دولتی در هیچ یک از قوانین موضوعه این نوع قراردادها وجود ندارد، اما اهمیت و برتری حقوق عمومی و منافع عام مردم بر منافع شخصی و خصوصی کاملاً محرز بوده و همین موضوع اعتبار قراردادهای دولتی را نسبت به قراردادهای خصوصی اثبات می‌کند. دولت نیز مانند اشخاص در زندگی روزمره معاملاتی انجام می‌دهد و قراردادهایی با دیگران منعقد می‌کند که برای ادامه حیات و رفع نیازهای اولیه ضروری است. همچنین دولت برای انجام وظایف قانونی خود ناچار به عقد قرارداد برای انجام خدمات عمومی و رفع نیازهای عمومی است. این نوع قراردادها متمایز از قراردادهایی است که همه اشخاص حقیقی و حقوقی، عمومی یا خصوصی به‌طور مشترک می‌توانند منعقد کنند. لذا ملاک تشخیص قرارداد دولتی از سایر انواع قراردادها می‌تواند دو عنوان دولتی بودن طرف قرارداد و دولتی بودن موضوع قرارداد باشد.

قراردادهای دولتی به‌طور کلی ناظر بر قراردادهایی است که حداقل یک طرف آن اداره و یا مؤسسات دولتی باشد. با دقت در این نوع قراردادها می‌توان به این نکته رسید که همه آنها از اهمیت یکسان برخوردار نیستند، یعنی برخی از قراردادها از قوانین مدنی و برخی دیگر از قوانین تجارتي تبعیت می‌کنند. قراردادهای عمومی و اداری که یک طرف آن دولت و مؤسسات عمومی و طرف دیگر شخص یا اشخاص حقوقی خصوصی است. مانند: پیمانکاری‌ها و امتیازات خدمات عمومی و قرضه عمومی و جز این‌ها. این قرارداد تابع اصول و احکامی است که قانون یا عرف اداری معین و مقرر داشته و به این ترتیب آزادی طرف قرارداد را محدود می‌نماید. این قراردادها بین دولت و اشخاص حقوقی خصوصی به منظور تأمین خدمات

عمومی یا بهره‌برداری از منابع ارضی منعقد می‌شوند و طرف خصوصی با عقد قرارداد با دولت، خود را تابع الزامات ناشی از حاکمیت دولت قرار می‌دهد (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۳، ۳۰۴).

قراردادهای دولت در معنای عام، تمام قراردادهایی است که بین نهادها و اشخاص حقوق عمومی دولت، مؤسسات مستقل دولتی، شرکت‌های دولتی، شهرداری، با هر شخص اعم از حقیقی یا حقوقی و اعم از داخلی یا بین‌المللی منعقد می‌شوند. دولت و دستگاه‌های دولتی در اعمال حاکمیت ملزم به مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، دفاع و حفظ امنیت، اتخاذ تصمیم در امور اقتصادی و بازرگانی، صنعت و معدن، مسکن، کار، تأمین نیرو، کشاورزی، ارتباطات، امور بهداشت و درمان پزشکی، رفاه، تأمین اجتماعی، بهزیستی، کار و امور اجتماعی، آموزش و پرورش و آموزش عالی و غیره در حدود قانون اساسی و مقررات مربوطه هستند و گاه در این امور به انعقاد قرارداد می‌پردازند که قراردادهای دولتی یا اداری به معنای خاص هستند، اما در همین زمینه‌ها و به اقتضای انجام وظایف، نیازمندی‌هایی دارند که باید از طریق انعقاد قرارداد با اشخاص حقیقی و حقوقی رفع نمایند که دسته‌ای دیگر از قراردادهای تشکیل می‌دهند که با قراردادهای اشخاص خصوصی چندان تفاوتی ندارد. در معنای خاص منظور از قرارداد دولتی یا عمومی، قراردادی است که دولت، مؤسسات دولتی و عمومی برای انجام وظایف عمومی که به عهده آنها است، به نمایندگی از جامعه و در جهت انجام وظایفی از قبیل خدمات عمومی و تأمین نیازهای عمومی منعقد می‌کنند که معمولاً تحت حاکمیت قواعدی است که ماهیتاً بر ادارات دولتی حاکم است. طرف دیگر قرارداد ممکن است شخص خصوصی یا مؤسسات دولتی باشد (عراقی و حبیب زاده، ۱۳۸۸، ۷۸).

ادارات و مؤسسات دولتی، در بسیاری از موارد برای خرید لوازم مورد احتیاج و یا فروش اموال، اجاره اراضی، ابنیه، مستغلات یا ساختمان عمارات و تأسیسات عام‌المنفعه، حمل و نقل نفرات و کالا، بهره‌برداری از بعضی منابع ثروت عمومی و یا استخدام کارگر و کارمند، قراردادهای مختلفی با افراد و مؤسسات خصوصی و یا مؤسسات مستقل دولتی منعقد می‌نمایند. بعضی از این معاملات به صورت عقود معینه در قانون مدنی است (بیع، اجاره و...) بعضی دیگر به صورت قراردادهای خاص اداری مانند مقاطعه و امتیاز (سنجایی، ۱۳۴۲، ۲۱۶). لازم به ذکر است قراردادهای منعقد شده توسط ادارات عمومی از اهمیت اقتصادی بالایی برخوردار هستند و به علت مبالغ قابل توجهی که دارند به واسطه سیاستی که دولت اعمال می‌کند، می‌توانند در خدمت اقتصاد کشور باشد و به‌عنوان عنصر سیاسی تلقی گردند (رضایی زاده، ۱۳۸۷، ۱۳۹).

در حقوق انگلستان معادل عبارت قراردادهای اداری «قراردادهای عمومی» و «قرارداد حکومتی» است.

در این عبارات، واژگان «عمومی» و «حکومتی» نقش مضاف‌الیه را برای کلمه «قرارداد» دارند. از منظر شکلی چنین اعمال حقوقی شامل عقود، تعهدات و معاملاتی است که طرف عمومی یا دولتی قرارداد با اشخاص خصوصی منعقد می‌کند. رویه قضایی انگلستان گویای آن است که از قرن نوزدهم به اقتضای منافع عمومی قوانین مختلفی در خصوص تنظیم روابط معاملی اشخاص عمومی با اشخاص خصوصی به تصویب رسیده است. در آثار حقوق دانان این کشور نوعی از تأخیر زمانی ملاحظه می‌شود به نحوی که تا قرن بیستم در نگاه معمول حقوق دانان این کشور، عموم قراردادها ذیل قراردادهای حقوق خصوصی بوده و از قرن بیستم به بعد است که با ظهور نظریه دولت رفاه توجه به قراردادهای عمومی و حکومتی بیشتر می‌شود و از حیث تعداد و گستره افزایش پیدا می‌کند (شفیعی، ۱۳۹۵، ۱۸).

در تعریف قرارداد دولتی می‌توان گفت: گروهی از قراردادهاست که سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌ها، نهادهای دولتی، عمومی مرکزی و محلی برای اجرای طرح‌های عمرانی، انجام خدمات عمومی، اداره و بهره‌برداری از منابع، ثروت‌ها و اموال عمومی منعقد می‌کنند که منافع و سود آن عاید اشخاص خاصی نمی‌شود و تأمین نیازها و منافع عمومی مردم یک منطقه یا کشور، هدف اول این قراردادها است. این امور در کشور ما غالباً وظیفه دولت و مؤسسات تابعه آن است. لذا قراردادهای دولتی به این مفهوم است که اولاً این مؤسسات حداقل یک طرف قرارداد باشد. ثانیاً، موضوع قرارداد مربوط به امور عمومی می‌شود و دولت باید از منافع عموم در مقابل منافع افراد دفاع کند که الزاماً احکام و قواعد یکسانی در همه کشورها و نظام‌های حقوقی ندارد (حسینی‌پناه، ۱۳۹۲، ۹).

۲-۱- ماهیت قراردادهای دولتی در حقوق ایران و انگلستان

برخی بر این عقیده‌اند که قراردادهای اداری به کلی مستقل از قراردادهای خصوصی اعم از کار، مدنی، تجاری و غیره بوده و معتقدند که مبانی، منابع و احکام حقوقی و آثار یعنی حقوق و تکالیف ناشی از قراردادهای اداری به کلی متفاوت از قراردادهای خصوصی بوده و قواعد این قراردادها آمره محسوب و عدم رعایت آن موجب بطلان قرارداد می‌شود. برخی دیگر اعتقاد به وحدت قراردادهای عمومی و خصوصی دارند و بر این نظر هستند که این‌گونه قراردادها مانند قراردادهای خصوصی تابع قواعد عمومی قانون مدنی و قانون تجارت بوده و اصل نسبی بودن قراردادها، اصل حاکمیت اراده طرفین و شرایط اساسی صحت معامله بر آن حاکم است. ضمناً مرجع رسیدگی به اختلافات ناشی از این نوع قراردادها محاکم عمومی دادگستری‌اند. با توجه به این دو نظریه فوق به نظر می‌رسد باید قائل به نظر سومی شد مبنی بر

اینکه قراردادهای اداری، تشابهات و تفاوت‌هایی با قراردادهای مدنی دارند. از نظر ماهیت هر دو نتیجه توافق اراده‌ها و قصد و اراده مشترک در ایجاد اثر حقوقی است؛ بنابراین چون در هر دو باید اراده و قصد طرفین، موضوع معین و نتیجه حقوقی (حقوق و تکالیف برای طرفین) وجود داشته باشد، هر دو با تعریف و معیارهای قرارداد تطبیق دارد، اما چون در قراردادهای اداری مقصود تأمین نیازهای عمومی است باید دارای قواعدی باشند که این هدف را تأمین کند و همچنین دولت حقوقی را که برای طرف مقابل وجود دارد بی‌جهت و به بهانه منافع عمومی نقض ننماید (حسینی پناه، ۱۳۹۲، ۱۹).

در حقوق ایران، دولت برای رفع نیازمندی‌های خود اعمال حقوقی مختلفی انجام می‌دهد، بخشی از اعمال حقوقی دولت مانند تصمیمات اداری و آیین نامه‌ها و بخش نامه‌های اداری به صورت اعمال یک‌جانبه (ایقاعات) است و بخش دیگر آن به صورت عقود و قراردادها (اعمال دوجانبه) است (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۳، ۳۳۱). در حقوق انگلستان وقتی که اصلاح قراردادهای اداری مطرح می‌شود چند ویژگی نیز برای آنان مطرح می‌شود؛ اولین ویژگی این قراردادها این است که در یک طرف آن دولت قرار گرفته و در طرف دیگر آن اشخاص خصوصی قرار دارند و خود همین نابرابری رابطه طرفین باعث می‌شود که ویژگی‌هایی در این قراردادها حاکم باشد که به آن‌ها قراردادهای در سطح شیب‌دار اطلاق شود. قراردادهای در سطح شیب‌دار، قراردادهایی هستند که یک طرف قرارداد در موقعیت بالاتری نسبت به طرف دیگر قرارداد دارد، و ویژگی دیگر این قراردادها این است که در جهت خدمات عمومی هستند. خدمات عمومی در اینجا خدماتی هستند که مردم به آن نیاز دارند و دولت تصدی آن‌ها را بر عهده دارد. ویژگی بعدی این قراردادها این است که اداره یا دولت در این قراردادها از امتیازهایی برخوردارند که اشخاص حقوق خصوصی از آن بهره‌مند نیستند. این وضعیت که ذکر شد در حقوق دیگر کشورها وجود ندارد. مثلاً در انگلستان، وقتی صحبت از قراردادهای عمومی می‌شود در این قراردادها این ویژگی که یک طرف آن دولت است وجود دارد، اما این ویژگی الزاماً برای خدمات عمومی نیست، زیرا در این کشور مفهوم خدمت عمومی شناخته شده نمی‌باشد، بلکه مفهوم منفعت عمومی مطرح است (شفیعی، ۱۳۹۵، ۳۴).

از نظر حقوق‌دانان انگلستان، جهت کنترل و محدودیت اداره که اداره در اعمال و اختیارات خود صرفاً محدود به قانون باشد، دولت باید همانند سایر اشخاص و شهروندان در برابر محاکم و دادگاه‌ها مساوی باشد که این امر در روابط قراردادی آن تأثیر گذاشته است؛ فلذا دولت در مقام انجام قراردادهای اداری نمی‌تواند متوسل به قواعد ترجیحی گردد و اصل برابری طرفین قرارداد به‌عنوان اصل اساسی

قراردادها در حقوق خصوصی در روابط قراردادی دولت با سایر اشخاص نیز وجود دارد. به همین جهت دادگاه‌های عمومی دادگستری، نه دادگاه‌های اختصاصی اداری، آن گونه که صلاحیت حل اختلافات قراردادی افراد را دارند، می‌توانند دعاوی ناشی از قراردادهای اداری را که یک طرف آن دولت و طرف دیگر اشخاص حقوقی حقوق خصوصی که با موضوع انجام خدمات عمومی و تأمین منافع عمومی منعقد شده باشد، حل و فصل نمایند.

مهم‌ترین نقطه آغاز مباحث مربوط به قراردادها در انگلستان بر دکتترین خصوصی بودن قرارداد متکی است، چراکه فقط یک حقوق بر روابط عمومی اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی حاکم بوده و صرفاً یک قاضی وجود دارد که بر مبنای حقوق واحد قضاوت می‌کند (کاسز، ۱۳۹۲، ۱۶). باین حال در عمل از قرن شانزدهم میلادی در انگلستان قوانینی تصویب می‌شود که از چهارچوب رایج قراردادهای خصوصی خارج می‌شود. از قرن بیستم میلادی نیز حوادثی نظیر شکست اندیشه اقتصادی مبتنی بر مکانیسم بازار آزاد در برآورده ساختن رفاه عمومی جامعه اتفاق افتاد که براساس آن قراردادهای اداری از مسیر قراردادهای حقوق خصوصی مبتنی بر نظام کامن لا خارج شده و به سمت نهاد قرارداد اداری نزدیک می‌شود.

۲- آثار قراردادهای دولتی در حقوق ایران و انگلستان

حقوق قراردادهای دولتی در هر کشور و از جمله ایران به نظریه غالب دولت و کارکرد و حدود و اختیارات آن مربوط می‌شود. حاکمیت دولت، اهمیت و چیرگی آن در یک کشور باعث می‌شود، تنظیم مقررات مربوط به قراردادهای دولتی ضرورت پیدا کند (عراقی و حبیب‌زاده، ۱۳۸۸، ۷۹). به عبارت دیگر دولت به‌عنوان نماینده جامعه، وظیفه تأمین منفعت عمومی را به عهده داشته و حافظ حقوق مادی و معنوی جامعه است و لذا قراردادهای منعقد شده دولت با قراردادهای خصوصی متفاوت می‌باشند.

قراردادهای دولتی به‌رغم حفظ بنیان‌های کلاسیک خود به صورت یک توافق میان طرفین قرارداد و تابع اصول عامه قراردادها، دارای آثاری هستند که آن‌ها را از قراردادهای عام متمایز نموده و قواعدی بر آن‌ها حاکم است که استثناء بر اصول و قواعد عام حاکم بر قراردادهای خصوصی است. در حقوق ایران، قراردادهای دولتی طیف وسیعی را تشکیل و پاره‌ای از آن‌ها مانند قراردادهای اجاره، رهن، خرید کالا و حمل و نقل، هیچ تفاوتی با قراردادهای خصوصی ندارند و از حیث تشکیل و اجرا مشمول قانون مدنی و مقررات ویژه اجاره و رهن می‌شوند. بعضی از قراردادهای دولتی مانند قراردادهای استخدامی، امتیاز و پیمانکاری عمومی، اداری، دارای ویژگی‌های خاصی بوده و از شمول برخی از مقررات قانون

مدنی و قواعد حاکم بر قراردادهای خصوصی خارج و مشمول نظارت قانون محاسبات عمومی اند (اعلایی فرد، ۱۳۸۴، ۵۸).

در مواردی که قرارداد مربوط به خدمات عمومی است، دولت باید وسیله اجرای صحیح آن و اداره امور عمومی مربوط به آن را در اختیار داشته باشد. بر طبق مقررات و آیین نامه معاملات دولتی، ادارات و مؤسسات عمومی مکلفند ضمن قرارداد پیش‌بینی‌های لازم را بنمایند و معمولاً در پیمان‌های عمومی دفترچه مشخصاتی وجود دارد که به صورت یک‌جانبه از طرف اداره دولتی تهیه می‌شود و بدون کم و زیاد به امضاء طرفین می‌رسد و ضمیمه قرارداد می‌گردد. دفترچه مشخصات نه تنها شرایط کار و روابط پیمانکار و اداره را در موضوع پیمان معلوم می‌دارد، بلکه غالباً متضمن شروط و تعهداتی به نفع غیر، یعنی کارگران نیز است. پیمانکار مکلف است بر طبق شرایط قرارداد و دفتر مشخصات منضم به آن عمل نماید.

نظام حقوقی قرارداد اداری، نظام حقوقی کاملاً مستقلی است، بدین معنی که قرارداد اداری تابع مقررات و احکام حقوقی کاملاً متفاوت از مقررات حقوق خصوصی بوده و حتی در پاره‌ای موارد از اصول و احکامی که از نظر حقوق مدنی، اساسی و ضروری محسوب می‌شود، از اصول کاملاً متفاوتی تبعیت و در حقیقت تمام ویژگی‌های نظریه قرارداد اداری ناشی از مقتضیات خدمات عمومی است. لازم به ذکر است قراردادهای عمومی دولتی به اعتبار شخصیت حقوقی دولت و سازمان‌های عمومی، قراردادهای مهم و کلانی بوده که از نظام ویژه‌ای تبعیت نموده و به این اعتبار به آن‌ها قراردادهای عمومی دولت یا قراردادهای اداری گفته می‌شود.

دولتی‌بودن این قراردادها به این معنا بوده که از لحاظ تشریفات انعقاد و از لحاظ محتوی به منظور حفظ منافع عمومی و حاکمیت دولت، متضمن شروط و احکام ویژه‌ای هستند که اختیار گسترده‌ای به حاکمیت می‌دهد و او را در موقعیت ممتازی نسبت به طرف دیگر قرارداد که معمولاً بخش خصوصی است، قرار می‌دهد درحالی‌که اگر این شروط و قیدها در قراردادهای خصوصی گنجانده می‌شد، به جهت آن که اصل تساوی طرفین قرارداد را خدشه دار می‌سازد، غیرمتعارف و برخلاف نظم عمومی تلقی می‌شد و شاید هم موجب بطلان قرارداد را فراهم می‌آورد که نمونه‌های فراوان این نوع قراردادهای عمومی دولت را در مقاطعه یا پیمانکاری دولت و غیره می‌توان مشاهده نمود که حتی بعضاً دولت با گنجاندن شرایط ترجیحی در صورت تخلف طرف مقابل خود رأساً بدون مراجعه به دادگاه نسبت به اجرای آن شرایط و تنبیه طرف مقابل (متعهد) اقدام می‌کند.

در قراردادهای اداری انگلستان، اصالت با حضور شخص عمومی به عنوان یکی از طرفین قرارداد است. بر این مبنا امکان اینکه قراردادی بین دو طرف خصوصی منعقد گردد و در عین حال قرارداد عمومی تلقی شود وجود داشته و آن زمانی است که یکی از طرفین چنین قراردادی مشغول ارائه خدمتی از خدمات عمومی باشند. در چنین وضعیتی، آن طرفی که ارائه دهنده چنین خدمتی است به خاطر کارکرد عمومی اش مشمول قراردادهای حقوق عمومی خواهد بود. در انگلستان مقرراتی وجود دارد که براساس آنها قراردادهای پیمانکار اصلی با پیمانکاران فرعی باید در چهارچوب مورد نظر کارفرما یعنی اداره باشد و از این حیث امکان انعقاد قرارداد عمومی توسط دو طرف خصوصی در موارد خاص وجود دارد.

در نظام حقوقی ایران همانند انگلستان، نهاد قرارداد، عموماً در بستر حقوق خصوصی معنا پیدا می کند و تفاوت بنیادینی بین قراردادهای عمومی و قراردادهای خصوصی متصور نیست؛ همچنان که از قانون مدنی و سنت فقه امامیه نیز چنین برداشت می شود. در نتیجه در ایران نمی توان تفاوت مهمی بین قراردادهای موضوع حقوق عمومی و قراردادهای موضوع حقوق خصوصی پیدا نمود. در انگلستان قرارداد اداری به قصد ارائه خدمات عمومی و برآورده ساختن منفعت عمومی منعقد می شود و به همین دلیل قرارداد هدف محور به شمار می آید. در واقع، بین فعالیت های اداره و رفاه عمومی در این گونه قراردادهای ارتباط نزدیکی وجود دارد.

از آنجاکه در این گونه معاملات، دولت به پشتوانه اصول و قواعد اقتداری، ترجیحی و حمایتی با طرف خصوصی قرارداد رفتار می کند؛ بر این اساس، چنین ویژه انگاری قانون گذار را باید با دستاویزهایی توجیه نمود، و گرنه این عین بی عدالتی خواهد بود که در یک نظام حقوقی برای یک طرف قرارداد، برتری ها و اولویت هایی در نظر گرفته شود، بدون آن که زمینه های توجیهی چنین امری ارائه شده باشند. گفته می شود هدف بنیادین چنین قراردادهایی در جهت ارائه خدمات عمومی یا منفعت عمومی است که قانون گذار یا دستگاه قضایی صلاحیت دار، گستره آن را تعریف، تبیین و مشخص می کند. در آیین نامه قراردادهای عمومی، چنین آمده، قرارداد خدمات عمومی، قرارداد مکتوبی است که مقام قراردادی با شرایط معوض شخصی را برای ارائه خدمات عمومی به کار می گیرد. در این تعریف به درگیر کردن عاملین اقتصادی در اجرای هدف مربوط به خدمات عمومی تصریح شده و حتی این تعریف در آیین نامه قراردادهای خدمات رفاهی نیز تکرار گردیده است.

عمل قانون گذاری منبع اصلی شروط فوق العاده قراردادی در انگلستان به شمار می آیند. چنین

موضوعی ناشی از مقابله نظری دکترین حقوقی و دستگاه قضایی این کشور بوده است. در این کشور، پارلمان یا رآسا و یا از طریق قانون‌گذاری تفویضی، می‌توانند فرم‌هایی از جنس ایقاعی برای اعمال قراردادی دولت تعریف کند. این وضعیت در برخی قوانین انگلستان به چشم می‌خورد که در آن برای دولت امکان خریدهای اجباری پیش‌بینی شده است. گفته می‌شود در قراردادهای حکومتی انجام تعهدات قراردادی برای دولت در صورتی الزام‌آور است که برای انجام آن وجوهی از طرف پارلمان تصویب شده باشد، در غیر این صورت چنین قراردادی برای طرف دولتی قرارداد معتبر و الزام‌آور نبوده و دادگاه‌ها در آرای خویش بر این امر صحه گذاشته‌اند. بارزترین اسناد متضمن شروط فوق‌العاده قراردادی را می‌توان آیین‌نامه قراردادهای عمومی و آیین‌نامه قراردادهای خدمات رفاهی ذکر نمود که در آن‌ها از یک‌سو برای طرف خصوصی قرارداد، حقوقی چون شفافیت، آزادی و برابری شرکت در مناقصه پیش‌بینی شده و اراده اداره در انتخاب طرف قرارداد محدود به حریم قانون گردیده و در سوی دیگر بر لزوم رعایت استانداردهای دولت توسط پیمانکار یا حق تعدیل قرارداد توسط اداره تصریح گردیده است (شفیعی، ۱۳۹۵، ۹۷). همچنین پیش‌بینی شده است اگر صاحب امتیاز قصد انعقاد قرارداد با پیمانکار فرعی را داشته باشد مکلف است شروط مورد نظر دولت را در شروط قراردادی‌اش با پیمانکار فرعی بگنجاند.

گاهی رفتار دولت با طرف خصوصی قرارداد مبتنی بر اصول حقوقی بایدانگاری است که در حوزه قراردادهای تدارک عمومی رعایت آن‌ها ضروری است. دادگاه در پرونده‌ای مقام اداری محلی را به خاطر عدم رعایت مقررات مربوط به دعوت از اشخاص واجد شرایط شرکت در مناقصه محکوم نموده است. در واقع آن‌جا که موضوع اختیارات فوق‌العاده دولت با برتری‌های قانونی طرف عمومی قرارداد مطرح باشد از طریق دادگاه‌ها کنترل می‌شود و آراء قضایی نیز مؤید چنین موضوعی است. در حقوق ایران اصلی‌ترین منبع به وجود آورنده شروط فوق‌العاده قراردادهای عمومی، قوانین و مقررات است. مهم‌ترین اسناد مرتبط را می‌توان شامل آیین‌نامه معاملات دولتی، آیین‌نامه مالی شهرداری‌ها، قانون مدیریت خدمات کشوری و قانون برگزاری مناقصات دانست.

در ارتباط با شروط قراردادی در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان نظر غالب آن است که ابزار نظارت قضایی بهترین سازکار کنترل قراردادهای اداره است به‌ویژه آن‌جا که اداره از اصول ترجیحی برخوردار می‌شود، هرچند از این حیث بین آن‌ها تفاوت وجود دارد. بر این اساس آن دسته از شروط قراردادی که به اتکای توافق طرفین و در چهارچوب عمل قراردادی پیش‌بینی می‌شود، در صورت

اختلاف نظرهای طرفین معامله از طریق دادگاه‌ها و با کنترل قضایی حل و فصل می‌گردند. این در صورتی است که اگر چنین عدولی از شرط توسط قانون‌گذار پیش‌بینی شده باشد امکان بازنگری قضایی وجود نخواهد داشت زیرا چنین شروطی به اتکای عمل اقتداری و حاکمیتی دولت پیش‌بینی و به تصویب رسیده است. جنس و شأن چنین شروطی را نباید از نوع قیود و شروط قراردادی دانست بلکه به لحاظ ماهوی ذیل عمل قانون‌گذاری قرار می‌گیرند.

در حقوق انگلستان با توجه به نمایندگی دولت در حفظ منافع عمومی تا جایی که تخلف دولت در قراردادهای خصوصی (تصدی‌گری) بارز و برجسته نباشد، از محکومیت دولت خودداری ورزیده و فرصت لازم را به طرف قرارداد دولتی جهت جبران خسارت و ادامه حیات قرارداد و ادامه خرید خدمات را می‌دهند و یا اینکه طرفین را به مذاکره و رفع اختلاف الزام می‌کنند.

نتیجه

در حقوق ایران، دولت به‌عنوان متولی تأمین نیازهای مردم موظف است با عقد قراردادهای لازم از منافع مردم حفاظت و حراست لازم را به عمل آورد. در این راستا قرارداد دولتی در مفهوم عام بین نهادها و اشخاص حقوق عمومی (دولت، مؤسسات مستقل دولتی، شرکت‌های دولتی، شهرداری) با هر شخص اعم از حقیقی یا حقوقی و اعم از داخلی یا بین‌المللی منعقد می‌شود و در معنای خاص وسیله مؤثر اداره و بهره‌برداری از منابع عمومی، مدیریت خدمات عمومی و تأمین رفاه اجتماعی از طریق واگذاری امور به مردم و مبتنی بر رضایت و مشارکت آنان است. این قراردادها اعم از تصدی‌گری و حاکمیتی ریشه در ساختار حقوقی و اقتصادی دولت دارد. بزرگی و کوچکی دولت و انجام امور اقتصادی از ناحیه دولت و همچنین در انحصار داشتن تولید و توزیع بعضی از کالاها و خدمات می‌تواند دولت را در حیطه انعقاد قراردادهای گوناگون قرار دهد. در این نوع ساختار اقتصاد دولتی و شیوه دولتی که در قالب شرکت‌های دولتی تجمیع یافته‌اند، ناچاراً دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین و اداره‌کننده اقتصاد و ارائه‌دهنده کالا و خدمات است و از سوی دیگر می‌توان عکس آن را نیز تصور نمود. در حالی که در حقوق انگلستان اعمال عمومی به حاکمیتی و تصدی‌گری مفهومی ندارد. در انگلستان این قراردادها از طرف دولت منعقد و در آنها این ویژگی که یک طرف دولت است، وجود دارد، اما این ویژگی الزاماً برای ارائه خدمات عمومی نیست، بلکه مفهوم منفعت عمومی مطرح است.

در انگلستان، قراردادهای دولت با بخش خصوصی بیشتر در جهت تأمین نیازهای دولت به خدمات و

کالاهای مورد نیاز بوده و قرارداد خصوصی دولت از این جهت بیشتر با نام قرارداد دولتی نامیده می‌شود و شبیه با قراردادهای خصوصی دولت در حقوق ایران است. قراردادهای اداری احکام خاص خود را دارا می‌باشند که آن‌ها را از احکام قراردادهای مدنی، تجاری و کار متمایز می‌کند. این احکام خاص، احکام ترجیحی، اقتداری و حمایتی هستند که حافظ منافع عمومی و ناشی از حاکمیت دولت است.

در حقوق انگلستان قراردادهای دولتی یا خصوصی وسیله‌ای متعارف برای استفاده در فعالیت‌های اداری توافق محور دوجانبه است، قراردادهای مقامات عمومی را از برخی جهات می‌توان دارای ماهیت اداری خاص دانست که کم و بیش از قراردادهایی که هر دو طرف آن اشخاص خصوصی‌اند متمایز است. در حقوق ایران اداره (دولت) از برتری و امتیازات بیشتر و گسترده‌تری در معاملات دولتی برخوردار است، اما در حقوق انگلستان سازمان‌های دولتی در مقابل مردم حقوق یکسان دارند و در شرایط خاص و محدود از امتیازات مقام عمومی استفاده می‌کنند. در حقوق انگلستان قراردادهای اداری با توجه به اهداف مترتب بر آن‌ها به صورت نسبی متفاوت از قراردادهای مدنی ارزیابی شده و شروط متناظر بر این گونه قراردادها با در نظر گرفتن خدمت عمومی و منافع عامه تفسیر می‌شود، در حالی که در حقوق ایران امکان تفسیر شروط قراردادی مترتب بر این گونه قراردادها همانند حقوق انگلستان نبوده و این گونه معاملات اعمال طرفینی صرفی هستند که در چهارچوب قانون و اراده‌های طرفین قرارداد، قابل تعبیر و تفسیر می‌باشند. همچنین در این کشور، قراردادهای خصوصی دولت در جهت اطمینان از استمرار عرضه خدمات مورد نیاز عموم و رفع نیازهای دستگاه‌های دولتی است.

در قراردادهای دولتی و اداری غالباً قیود و شروطی که در قرارداد خصوصی متداول نیست ملاحظه می‌شود که ناشی از قدرت عمومی و حق حاکمیت دولت بوده و ممکن است حتی جنبه تحمیلی داشته باشد. بی‌نظمی و هرج‌ومرجی که در این زمینه مشاهده می‌شود ایجاب می‌کند متخصصان علم حقوق از میان سوابق قضایی و حقوقی اصول کلی مسلم را استنتاج و استخراج و اعلام نمایند تا راه برای اجرای اصول کلی قراردادهای دولتی که امور عمومی و منافع عامه ایجاب می‌کند هموار شود و از انعقاد قراردادهای زیان بار و فسادآور در قراردادهای دولتی جلوگیری شود.

تعارض منافع

تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

منابع

- اعلایی فرد، محمدعلی، ۱۳۸۴، اصول حاکم بر قراردادهای پیمانکاری دولتی، **مجله عدالت آراء**، شماره ۱.
- انصاری، ولی الله، ۱۳۸۰، **کلیات حقوق قراردادهای اداری**، تهران، نشر حقوق دان.
- حسینی پناه، مونا، ۱۳۹۲، **بررسی اصول حقوقی حاکم بر معاملات دولتی در حقوق ایران و انگلستان**، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- خلفیان، عباس؛ پایاب، مهدی؛ محمودی، یوسف، ۱۳۹۷، دادرسی عادلانه در دعاوی ناشی از قراردادهای دولتی در حقوق موضوعه ایران، **فصلنامه پژوهش‌های حقوقی قانون یار**، شماره ۲.
- رضایی زاده، محمدجواد، ۱۳۸۷، ویژگی قراردادهای اداری، **مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)**، دوره ۳۸، شماره ۲.
- سنجابی، کریم، ۱۳۴۲، **حقوق اداری ایران**، تهران، انتشارات زهره.
- شفیعی، الهه، ۱۳۹۵، **ماهیت، اصول و آثار قراردادهای دولتی در ایران و انگلستان**، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، ۱۳۸۴، مفهوم، انواع و قواعد حاکم بر قراردادهای عمومی، **مجله پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۷.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، ۱۳۹۳، **حقوق اداری**، چاپ نوزدهم، تهران، انتشارات سمت.
- عراقی، عزت الله و حبیب زاده، محمد کاظم، ۱۳۸۸، قراردادهای دولتی در حقوق ایران: بررسی شاخص‌ها، **فصلنامه حقوق خصوصی**، شماره ۱۵.
- کاسز، ساینو، ۱۳۹۲، **شکل گیری حقوق اداری**: مطالعه تاریخی تطبیقی حقوق اداری انگلستان و فرانسه، ترجمه سیدمجتبی واعظی، چاپ اول، شیراز، نشر شهرداد.
- مشکل گشا، احسان و ریسی، محسن، ۱۳۹۸، بررسی تطبیقی الزامات در قراردادهای دولتی و نظامی، **فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد**، شماره ۴۳.

Legal Civilization

No.10-Spring 2022

- Civil liability of the Official expert of the Judiciary in Iranian and French Law with Emphasis on Judicial Procedure - **Hasan Badini, Sepideh Razi, Mohamad Mehdi-pour**
- Saadi Shirazi's Compatibilities with the Teachings of Modern Public Law **Majid Najjarzadeh Hanjani**
- Criminal Protection of the Right to the Environment **SHima Naderi, Majid Motallebi**
- The Role of Civic Society in Citizenship Rights' Establishment **Farzaneh Dashti, Abdolkarim SHAheydar**
- The Effects of Increasing the Capital of Joint Stock Companies in Iranian and American Law **Afshin Mojahed**
- Judicial Challenges in Combating Environmental Crimes in Iranian Criminal Law **Esmaeil Kashkoulia, Abass Sheikh-holeslami**
- International Aviation Law Approach to Liability for Corona Virus Transmission in Aviation **Yeganeh Sadat Safavi**
- Effects of Government Contracts on Iranian and British Law **Mohammad Reza Burbur**
- Mediation, Participatory Justice System, third Generation Criminal Justice System and Litigation Rights - **Sadegh Fetili, Sayyed Mohammad Salehi**
- Value and Validity of Expert Theory in Iranian and French Law **Sayyed Jafar Hashemi Bajegani, Maisam Sobhani**
- Environmental Policy Approach in Reducing Risks; Strategies and Approaches **Zahra Tallieolia, Davud Khorramdel**
- Efficient Jurisprudential Rules in the Responsibility of Wasting People's Time **Hamid Soleymani, Rahime Abbasi - Bonari**
- the Role of UN Agencies in Preventing Environmental Pollution from Waste as Global Biosecurity **Rostam Ali Akbari, - Sayyed Mehdi Mousavi**
- Fundamentals of Correcting Non-Common Contracts in the Era of Legislation by Relying on Religious Rerms and Generalities **Sayyed Alireza Amin**
- New Reproductive-Biological Technologies and Child Rights: An Introduction to the Future of Childhood in Iran - **Maryam SHA'ban**
- Pathology of Determining the Punishment in Family Crimes in Fifth Book of the Islamic Penal Code (Tazirat) Approved in 1996; From Explaining the Damage to Providing Solutions **Mahdi Mozafari Anari, Mohammad Amini Zadeh, Ali Arefi Maskoni**
- The Principle of Correctness in Transactions with Emphasis on the Possibility of its Flow in Legal Doubts **Maedeh - Chini Saz, Omid Mohammadi, Ghasem Shaabani**
- About the Theory of Invalidity of Preliminary Investigations in the Iranian Criminal Proceedings (According to the Code of Criminal Procedure Approved in 2014) **Masoud Fadaei Dehcheshmeh, Amir Soleimani, Homeira Taheri**
- A Reflection on the Law Governing the Contractual Obligations of the Insurance Contract in Iranian and American Law - **Farzad Karami kolmoti, Hamed Babaei**
- Investigating the Establishment of Bailment in the British and American Legal Systems and its Application to the Trust - Institution in Iranian Law **Nastaran Arzainan, Mahsasadat Nabavi**
- Criteria for Separating the Crime of Kidnapping from Similar Crimes in the Iranian Penal System **Ahmadreza - Emtehani, Javad Naderi ooj Boghzi, Ali Paidarfard**
- An Introduction to the Principles and Obstacles of Extradition in International Law **Reza Alipanah**
- Corona Virus Effects on Juvenile Delinquency with Respect to USA Law **Peyman Dolatkah Pashaki**
- Manifestations of Change in the Differential Criminal Policy of the Crimes of the Armed Forces of Iran and the United - States of America by the Method of Impunity and Decriminalization **Yasser SHakeri, Alireza Salehi, GHolam Hosein Rezaei**